

عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در حفظ محیط زیست شهری
با تأکید بر نگرش اکوفمینیستی
مطالعه ی موردی: مناطق ۶ و ۸ شهرداری شهر تهران
تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۸/۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۸۸/۸/۲۸

دکتر بیژن رحمانی* (عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی)

دکتر بتول مجیدی (عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی)

چکیده

در بیشتر کشورهای در حال توسعه، شهرها با مسایل و مشکلات زیست محیطی فراوانی مواجه می باشند. نبود روش های صحیح جمع آوری و دفع زباله، مشکل تامین آب آشامیدنی سالم، شبکه های جمع آوری و تصفیه ی فاضلاب ها، استقرار نایجابی فعالیت های مزاحم، آلودگی های ناشی از وسایل نقلیه و... نمونه هایی از رایج ترین مشکلات زیست محیطی شهرها به شمار می آیند که هر یک به تنهایی می توانند سلامت شهرنشینان را به مخاطره اندازند. روشن است با توجه به گستردگی و پیچیدگی مسائل زیست محیطی و پر هزینه بودن روشها و ابزارهای مقابله با آن، بهترین گزینه، بهره گیری از مشارکت مردمی است. نیمی از جمعیت شهری را زنان تشکیل می دهند که با توجه به ارتباط مستقیم خود با گروههای دیگر (مردان و کودکان) از مؤثرترین گروههای اجتماعی شهرها به شمار می آیند. در نتیجه باید از تواناییهای آنان در حفظ محیط زیست شهری استفاده نمود. با توجه به این امر که هنوز مشارکت در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران نهادینه نگردیده و تحقیق حاضر، ضمن بیان نگرش اکوفمینیستی و تأکید این نگرش بر این واقعیت که زنان از طریق نزدیکی به زمین و با داشتن غریزه حفاظت و پرورش، می توانند از محیط زیست خود محافظت نمایند، عوامل مؤثر بر افزایش میزان مشارکت زیست محیطی زنان را بیان نماید. در یک نمونه گیری تصادفی ۱۰۰ نفر از زنان، از دو منطقه ۶ و ۸ شهرداری شهر تهران به عنوان موارد پژوهش انتخاب شدند. نتایج نشانگر این واقعیت است که علی رغم فعالیت های روزمره ی زنان شهر تهران و ارتباط مستقیم با محیط زیست شهری، زمینه های این دیدگاه بسیار ضعیف می باشد و زنان این دو منطقه مشارکت چندانی در حفظ محیط بستر زندگی خود ندارند. جهت بررسی عوامل مؤثر بر افزایش میزان مشارکت زیست محیطی زنان، شاخص های مختلفی از جمله میزان سن، میزان تحصیلات، هزینه ی خانوار، مدت سکونت، وضعیت مسکن، نحوه ی تصرف مسکن و... انتخاب گردیده است.

واژه های کلیدی
اکوفمینیسم، مشارکت، حفظ محیط زیست شهری

مقدمه

امروزه توجه به مشارکت زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی، نه تنها از موضوعات و اهداف اساسی توسعه اجتماعی و اقتصادی در هر کشور به شمار می رود، بلکه ابزاری مؤثر در تحقق اهداف توسعه ای پایدار نیز محسوب می شود. از این روی یکی از شاخص های درجه ای توسعه یافتگی یک کشور، میزان مشارکت و نقشی است که زنان در آن کشور دارا هستند. با توجه به پتانسیل های موجود در زنان و نیز توان بالقوه آنان می توان در جهت انجام بخشی از اهداف و برنامه های توسعه از مشارکت آنان بهره جست.

مشارکت زنان به معنی دخالت همه جانبه ای آنان اعم از همفکری، مشاوره، همکاری، تصمیم گیری و اجرای در امور اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی است که به آنان امکان می دهد تا در فرآیند مدیریت جامعه مشارکت فعالی داشته باشند. جهان پیشرفته ای امروزی مقتضیات و انتظارات جدیدی را می طلبد، مشارکت زنان یکی از این نمونه انتظارات واقعی است. مشارکت زنان بیش از هر چیز محتاج تحول جدی در ذهنیت و فرهنگ جاری جامعه نسبت به حضور و فعالیت آنان می باشد. مسأله ای مهم این است که در طول تاریخ و در سراسر جهان به نقش ها، نیازها و توان های بالقوه و بالفعل زنان آن چنانکه سزاوار است نگریسته نشده و به همین دلیل هنگامی که با موضوع زن و حفظ زیست روبرو می شویم، می بینیم که نیمی از جمعیت جهان که به دلیل نوع وظایفشان ارتباط غیر قابل انکاری با منابع طبیعی و محیط زیست خود دارند و به گونه ای نزدیک تر و صمیمی تر به طبیعت تصویر گشته اند، به سبب وجود مشکلاتی چون فقر، عدم دستیابی به آموزش و آگاهی های لازم زیست محیطی و عدم مدیریت و... علی رغم توان های خود، نتوانسته اند نقش مؤثری را آن چنان که شایسته ای آنان است ایفا نمایند، ولی نکته اساسی این است که زنان در قرن حاضر در اثر جدیت و سعی خود به پیشرفت هایی نایل شده اند و روش آنها برای تغییر نگرش دیگران در خصوص پذیرش قدرت و توانایی های آنان آغاز خوبی است. اختصاص فصلی در دستور کار ۲۱- بیانیه ای مشترک کنفرانس زمین درباره محیط زیست و توسعه- حاکی از جدی تر دانستن نقش زنان در حفاظت از محیط زیست می باشد.

قبل از پرداختن به رویکرد نظری این تحقیق و بیان روش کار و یافته های تحقیق میدانی لازم است تعریفی از محیط زیست شهری و چگونگی حفظ آن، توسط زنان داشته باشیم. محیط زیست شهری در واقع اکوسیستم و یا محیطی است که دارای اجزاء و عناصر مختلفی از جمله منابع، فرایندها و تأثیرات مربوط به جوامع گیاهی و حیوانی محلی، حیات انسانی، معادن، آب، خاک، هوا و... (محیط طبیعی)، منابع و فرایندها و تأثیرات مرتبط با ساختمانها، مسکن، جاده، تأسیسات و... (محیط مصنوع) و منابع و فرایندها و تأثیرات مربوط به فعالیت های انسان، آموزش، بهداشت، هنر و... (محیط اجتماعی و اقتصادی) می باشد. (سرینواس، ۱۲۸۰: ۱۷) در نتیجه ای عملکرد و فعالیت انسانها و تبدیل منابع و مواد اولیه به کالا و خدمات مورد نیاز، محیط زیست شهری تحت تأثیر قرار می گیرد که این تأثیرات ممکن است مثبت و یا منفی باشد. از جمله عوامل منفی تأثیر گذار بر محیط زیست شهری می توان به انواع آلودگی ها (آلودگی آب، هوا، صدا و...)، تولید مواد زاید و زباله، فاضلاب و تراکم جمعیت و... اشاره کرد.

شهر همچون سیستمی بازمتکی به جریان عظیم ورودی مواد غذایی، آب، سوخت، مواد اولیه، مردم و اطلاعات از بوم کره به آن است، و تمامی آن ها به صورت افکار، ایده ها، دانش و فن آوری، درآمد، آلودگی هوا، ضایعات و کالاهای ساخته شده در نهایت به خارج جریان می یابد. در این سیستم باز، مواد جدید دائماً به سیستم شهری برمی گردد. (شکویی، ۱۳۷۳: ۳۶۳) حال این امکان وجود دارد که محیط زیست شهری در نتیجه ای گسترش شهرنشینی، افزایش جمعیت و نیاز به مصرف مواد وانرژی بیشتر، فشارهای وارد بر محیط خود را نتواند تحمل کند و یا حتی آنها را کاهش دهد، و یا مواد زاید وارد شده به محیط نتواند جذب و در طبیعت تجزیه و احیاء گردد، در نتیجه تعادل و توازن زیست محیطی شهر، برهم خورده و منجر به ناهنجاریها و انواع آلودگی ها در محیط زیست شهری می گردد (عزیزی، ۱۳۸۰: ۱۷). با توجه به این مسأله که مصرف کالاها و خدمات مختلف در شهرها و به ویژه در کلانشهرها به میزان چشمگیری افزایش یافته و این مصرف بی رویه با وجود تأثیرات مثبت و رفاه و بهبود کیفیت زندگی انسانها، دارای پیامدهای زیست محیطی بسیاری است که باعث نابودی محیط زیست

می گردد، دستور کار ۲۱ با طرح مفاهیم کلی نظیر تغییر الگوی مصرف، کاستن از مواد زاید و استفاده بهینه از مواد و... بر لزوم حفاظت از محیط تاکید می ورزد. (یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۳) اینچنین است که نقش زنان در جامعه شکل می گیرد. آنان باید به نقش می یابد. الگوی مصرف صحیح از طریق زن خانواده در جامعه شکل می گیرد. آنان باید به نقش آموزش دهنده ی خود در مورد درست مصرف کردن و در نتیجه کاهش ضایعات واقف باشند و اعضای خانه و به خصوص فرزندان را از همان ابتدا در خانه، طوری تربیت کنند که افراد مصرفی نباشند.

از آن جایی که بیشترین حجم زباله های شهری به خانواده ها تعلق دارد و کیفیت و کمیت زباله ی خانوار شهری از الگوی مصرف خانوار پیروی می کند و الگوی مصرف نیز تابعی از تعداد افراد خانوار، سطح درآمد، هزینه ی مصرفی جهت مواد خوراکی و... می باشد و زنان نیز به عنوان مدیر خانواده مسؤوّل نظافت و پاک سازی داخل و بیرون خانه و همچنین مسؤوّل دفع زباله می باشند، در نتیجه مهم ترین و اصلی ترین نقش را می توانند در امر بازیافت، همکاری و اجرای تفکیک زباله از مبدا را بر عهده داشته باشند. زنان شهری این توانایی را دارند که سیستم های تولید و توزیع (نیروهای عمل کننده در بازار و تولید کنندگان) را طوری دچار تغییر و دگرگونی سازند که سازش بیشتری با محیط زیست داشته باشد. همچنین نقش مادرانه زنان به عنوان مهمترین نقش اجتماعی آنها تلقی می شود. آنان که مدیران واقعی نظام تربیتی خانواده قلمداد می شوند، در تربیت نسل آینده و انتقال ارزش ها، هنجارهای اجتماعی و فرهنگ و سواد زیست محیطی نقش بسیار مهمی را دارند.

رویکرد نظری مشارکت زیست محیطی زنان

به دنبال طرح مقوله ی حفاظت از محیط زیست و رواج فرهنگ زیست محیطی، نظریه ها و دیدگاه های گوناگونی مطرح گردیده است. در زمینه ی نقش زنان در حفاظت از محیط زیست و ارتباط و پیوند میان تسلط بر زنان و بهره کشی از طبیعت دیدگاه اکوفمینیسم مطرح است که یکی از شیوه های طرح اکولوژی رادیکال می باشد. احترام به طبیعت غیر بشری همواره از نظر فمینیسم رادیکال امری مهم بوده است.

اکوفمینیسم از جمله نگرش های اجتماعی در رابطه با فمینیسم، صلح و اکولوژی می باشد. اگرچه این اصطلاح اولین بار توسط فرانسوا دوین به کار گرفته شد، اما بعداً زمینه ای برای اعتراض رسمی در مقابل تخریب محیط زیست گردید. (میس و شیوا: ۱۹۹۳) درحقیقت اکوفمینیسم در اواسط سالهای ۱۹۷۰ در کنار موج دوم فمینیسم و جنبش سبز مطرح گردید. اکوفمینیسم اصول فمینیست و جنبش های سبز را بایکدیگر ترکیب می نماید و در عین حال چالشی را برای هردو ارائه می دهد. از جنبش سبز یک نگرانی در خصوص تأثیر فعالیت های بشر نسبت به جهان غیر انسانی و از فمینیسم نگرش انسانیت را کسب می کند و معتقد است که زنان به خاطر زن بودن مورد ظلم و ستم قرار می گیرند. (میلور، ۱۹۹۷: ۱) در ابتدا این نگرش عمدتاً از مبارزات و اعتراضات زنان پیرامون مسایلی از قبیل حرکات هسته ای (جزیره تری مایل) و سلاح های اتمی (گروه صلح گرینهام) شکل گرفت (هام و گمبل، ۱۳۸۲: ۱۲۴) ولی اکنون به اشکال گوناگون در شکل های ویژه ی زنان و محیط زیست در سراسر جهان قابل مشاهده

می باشد. برای شناخت این واژه ی ترکیبی بهتر است ابتدا تعریفی از اکولوژی و فمینیسم را بیان نماییم. اصطلاح اکولوژی را نخستین بار هکل (۱۸۶۶) به عنوان زمینه ی مطالعاتی نو در زیست شناسی مطرح کرد. منظور وی از اکولوژی شناخت روابط متقابل حاکم میان موجودات زنده و محیط آنها بود از این دیدگاه، اکولوژی بنا بر تعریف عبارت است از "علم بررسی روابط متقابل موجود زنده با دنیای بیرونی آن که در مفهومی گسترده تر کلیه شرایط محیط زیست را در بر می گیرد".

امروزه نیز اکولوژی را مطالعه سیستم های طبیعی در سطحی می دانند که در آن افراد یا کل موجودات زنده به عنوان اجزایی از یک سیستم با هم در کنش متقابل هستند. علم اکولوژی (بوم شناسی) ابزار علمی شناخت محیط طبیعی به حساب می آید. (بهرام سلطانی، ۱۳۷۱: ۲۷-۲۶) فمینیسم دکترینی که مدافع حقوق اجتماعی و سیاسی برابری زنان با مردان می باشد. (دایرة المعارف وبستر، ۱۹۸۹: ۵۲۳) از آن جایی که نقطه نظرات اکوفمینیست ها با

یکدیگر متفاوت است و کاملاً باهم توافق ندارند، شاید نتوان تعریف واحدی که مورد پذیرش همه ی طرفداران این نگرش باشد، بیان نمود ولی با ترکیب دو واژه ی اکولوژی و فمینیسم می توان تعریف زیر را بیان نمود: اکوفمینیسم پیوند میان جنبش رادیکال اکولوژی و فمینیسم می باشد (شجاعی، ۱۳۷۸: ۱۰۷) و یا به تعبیری اکوفمینیسم پیوندی است بین فمینیست ها (فمینیسم) و محیط گرایان (محیط گرایی)، که خواهان تغییرات اساسی در رابطه بین زن و طبیعت می باشد و معتقد است زن و محیط باید به هم پیوندند تا بتوانند نقش مسلط خود را در دنیا ایفا نمایند.

واندانشیوا مبارز فمینیست هندی، اکولوژی را ناشی از يك مسأله خاص فمینیستی می داند که می توان آن را اکوفمینیسم نامید. (فرید من، ۱۳۸۱: ۹۰) اکوفمینیسم به طور کلی به معرفی تشابه بین زن و طبیعت از لحاظ باروری، صلح جویی، ایجاد اتحاد می پردازد و در آخر آن را با مرد و تضاد های موجود مورد مقایسه قرار می دهد. (لانگنر، ۲۰۰۵: ۲) اصول اساسی در این نگرش وجود دارد. اکوفمینیست ها همان اصول و دیدگاه های فمینیست های کلاسیک را دارند، اما باین تفاوت که نقش زنان در مسایل محیط زیست، بیشتر مورد توجه آنها

می باشد. نگرش بشر نسبت به طبیعت همانند نگرش آنها نسبت به زن بی اهمیت و فرو دستانه می باشد. اکوفمینیست ها درصد این موضوع هستند که دیدگاه مردم را نسبت به طبیعت و زنان تغییر دهند.

اکوفمینیست ها مانند فمینیست ها به دنبال برابری زنان با مردان نمی باشند بلکه هدف آنها، آزادی زنان به عنوان جنس زن است. ریشه اصلی این آزادی عبارتست از تشخیص ارزش فعالیت هایی که به شکل مرسوم به زنان مربوط می شود، مانند به دنیا آوردن فرزند، تعلیم و تربیت و تمام فعالیت هایی که به عرصه ی خانه و زندگی مربوط می شود.

هازل هندرسون می گوید: اکوفمینیسم برای مادر بودن، پرورش و سرپرستی از فرزندان و حفظ محیط زیست آسوده و اجتماعهای منسجم به عنوان پر برکت ترین کار جامعه ارزش قابل است، حال آنکه در چهار چوب ارزش های مرد سالاری و نظام های اقتصادی که این وظایف را نادیده می گیرند و مزدشان را نمی دهند، این ویژگیهای زنانه کمترین ارزش را پیدا کرده اند. (شجاعی، ۱۳۷۸: ۱۰۸)

برخی از فمینیست ها این نقش های زنانه را ظالمانه تصور می کنند و اکوفمینیسم را به خاطر قوت بخشیدن به این الگوهای کلیشه ای مورد انتقاد قرار می دهند. آنها خواهان تغییر جهان به یک مکان بهتر و امن تر می باشند و تنها راه را در تسلط جنس مؤنث بر جهان می دانند و عقیده دارند که اگر تمام زنان به طبیعت پیوندند و تسلط جهان را در اختیار بگیرند، آن زمان، زمانی است که جهان در صلح و آرامش به سر خواهد برد.

اکوفمینیست ها نظرات مختلفی در خصوص رابطه زنان با طبیعت بیان می کنند. برخی از آنها این نزدیکی زن به طبیعت را ناشی از ساختار بیولوژیکی زن می دانند و معتقدند زنان دارای مسؤولیتی منحصر به فرد نسبت به سلامت و بقای طبیعت و مراقبت از کره ی زمین می باشند.

بسیاری بر اتحاد زنان و طبیعت تأکید می ورزند، بعضی دیگر بر این باورند که ارتباط با طبیعت صرفاً تلاش برای پیوستن و یکی شدن با آن نیست. عده دیگر معتقدند که طبیعت هر کس و هر چیز را در محل واقعی خودش تعیین می کند و به ساکنان خود می گوید که چه کسی ارباب است.

بعضی از آنها می خواهند که مردم تشخیص دهند آنچه در روی زمین است جزء طبیعت است و به طبیعت بر میگردد. بنابراین برای حل مشکل دنیا باید همه ی چیزهای موجود در جهان در ارتباط با یکدیگر نگریسته شوند. برخی از اکوفمینیست های سیاسی، خواهان اداره جهان به واسطه زنان هستند و عقیده دارند که حکومت ها باید در اختیار زنان باشد. برخی دیگر پای بند معنویات بوده و می خواهند که زن و طبیعت درهم آمیزند تا دنیایی پر از مهر و عاطفه ایجاد نمایند، ولی به نظر می رسد که یک هدف کلی و مشخص بین همه آنها وجود نداشته و همه اتفاق نظر باهم ندارند و خواسته آنها یکی نمی باشد. برخی از آنها ستیزه جو و برخی دیگر خیلی آرام و صلح جویی باشند. (ولن، ۲۰۰۶: ۱) در حقیقت اکوفمینیسم برپایه ی تغییر نگرش از رفتار خود پسندانه و خود محورانه به رفتار مهرآمیز و فروتنانه نسبت به جهان

طبیعی بنا شده که به تغییر روابط انسان با محیط طبیعی و انسان و زن و مرد منجر می‌گردد. (شجاعی، ۱۳۸۳: ۱۱) شیوا معتقد است که پیش از ظهور استعمار غربی، بومیان در سراسر جهان روابطی نزدیک و دوستانه با محیط زیست خود داشتند. عوامل طبیعی عموماً مؤثرتصور می‌شدند (چون مانند زنان مظهر قدرت‌های مولد رویش و باروری هستند). براساس یک اصل زنانه باید به محیط زیست احترام گذاشت و با احتیاط از آن بهره‌برداری نمود. اما با ظهور استعمار غربی و استفاده بی‌رویه از زمین و عدم رعایت اصل زنانه و تضعیف حق زنان بر زمین و به طور کلی تلقی طبیعت صرفاً به عنوان منبعی برای استفاده‌ی انسان، رابطه با طبیعت به کلی آسیب دیده و راه را برای تخریب محیط زیست و استفاده‌ی بیش از حد از منابع زمین و گسترش تکنولوژی زیانبار هموار گردید. (شیوا، ۱۹۸۸: ۱۷)

از آغاز زندگی بشر، کار زنان نزدیک و وابسته به طبیعت بوده و آنها گردآورنده‌ی بذر، دانه و ریشه برای تغذیه‌ی خانوار و جامعه‌ی خود بودند، تجربه‌های زیادی در زمینه‌ی استفاده از منابع طبیعی و مدیریت مربوط به آن دارند. (هیوستون، ۱۳۷۱: ۱۴) و این‌طور تصور می‌شود که زنها به رموز طبیعت آشنا ترند و آنها را نسل به نسل کامل تر کرده و به آیندگان سپرده‌اند. طبق نگرش اکوفمینیستی زنان از طریق نزدیکی به زمین بهتر از مردان می‌توانند از محیط زیست خود محافظت نمایند. ساختار فیزیولوژیکی زنان با تولد و غریزه‌ی حفاظت و پرورش از فرزندان نیز تا حدودی به این ارتباط با طبیعت منجر گشته است. اکوفمینیست‌ها توجه خود را به این ارتباطات و پیوندها بین زن و طبیعت معطوف داشته و به تجزیه و تحلیل این مسأله پرداخته‌اند که زنان و طبیعت چگونه بی‌ارزش و مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند. بیشتر مردم باور ندارند و یا حتی تشخیص نمی‌دهند که تخریب محیط زیست را انسانها باعث می‌شوند. طبیعت آسیب‌پذیر و شکننده است. تخریب جنگلها، نابودی منابع طبیعی، گرم شدن کره زمین، انواع آلودگی‌ها (آب، هوا، خاک و...)، انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری گوشه‌ای از آسیب‌هایی است که به محیط زیست و بستر زندگی وارد شده است.

ظلم انسان تنها شامل حال طبیعت نبوده، اعتقاد بر این است که زنان نیز مانند طبیعت مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند. اکوفمینیست‌ها این ظلم و ستم بر زنان را ناشی از تجزیه و تحلیل ایدئولوژی تاریخی مردسالاری می‌دانند که در حدود ۵۰۰۰ سال پیش مطرح گردید. (پایگاه اینترنتی fuse the green، ۲۰۰۶) تفکر مردسالاری غربی بر ایدئولوژی دوگانگی استوار است. دیدگاه جهانی که دنیا را با تقسیم آن به دو بخش متضاد از مفاهیم طبقه‌بندی می‌کند: بدن مادی در مقابل ذهن غیر مادی، روح در برابر جسم، زن در برابر مرد و فرهنگ در برابر طبیعت. در هر زوج یک مفهوم را مافوق دیگری فرض می‌کنند. این "دیگری" گاهی اوقات با ویژگی‌های بد و شیطانی توصیف شده و همیشه علیه آن تبعیض وجود دارد. این مفاهیم دو گانه در ارتباط پیچیده‌ای قرار می‌گیرد که به شکلی متقابل تقویت کننده‌ی یکدیگر می‌باشند. (دایرة المعارف وبستر، ۱۹۸۹: ۴۳۹) در این تقسیم‌بندی می‌توان فرهنگ را با مفاهیم خود آگاهی بشری (و یا نظام فکری و تکنولوژی) که بشر با استفاده از آنها می‌کوشد طبیعت را در کنترل خود در آورد یکسان دانست. حال اگر بخواهیم این موضوع را در خصوص زنان بیان نمائیم، علت فرودستی آنان را به این شکل می‌توان تعیین کرد که زنان موجوداتی هم‌پیوند با طبیعت می‌باشند و در مقابل، مردان نیز هم‌پیوند با فرهنگ هستند، و چون فرهنگ سعی دارد که طبیعت را تابع خود سازد و چنانچه زنان را جزئی از طبیعت بدانیم پس سرکوب زنان و تابع ساختن آنها امری طبیعی به نظر می‌رسد. (ارتنر، ۱۹۹۸: ۳۰)

سیستم اعتقادی مردسالاری به ویژگی‌های جنس مذکر بها می‌دهد و ویژگی‌های جنس مؤنث یعنی احساساتی بودن آنها را به عنوان منفعل، ضعیف، غیر عقلانی و لذا فرو دست توصیف می‌کند.

برخی تئوریسین‌ها اینطور مطرح کرده‌اند که منشاء تحقیر و پست انگاشتن دیگران به دلیل ترس از طبیعت و مرگ و میر است. هر انسانی از یک مادر متولد می‌شود، و در نهایت می‌میرد و زنان به علت ساختار بیولوژیکی و ارتباط خود با تولد، یاد آور همیشگی مرگ می‌باشند. بر اساس نوشته‌های رزماری راد فورد روترا رواج مفاهیم "طبیعت" و "فرهنگ" بود که مردان اجازه یافتند طبیعت را تحقیر کنند. "فرهنگ طبیعت را به جای هسته‌ای که بشریت به کلی شادایی ناپذیر در آن جای گرفته، به عنوان واقعیتهایی زیر دست و جدا از بشر معرفی می‌نماید".

اکوفمینیسم طبقه بندی "طبیعت" و "فرهنگ" را که مقوله های ذهنی هستند به همراه تأیید عضو تحقیر شده در عناصر دو گانه پدر سالاری را مورد انتقاد اساسی قرار می دهد و جدایی طبیعت و فرهنگ را غیر ممکن می داند. این نگرش ویژگی های زنانه را به شکلی مقتضی برای خلق یک جامعه ی آگاه از محیط زیست را مناسب می داند. برخی از طرفداران این نگرش در فکر تقویت روابط سالمتر و بهینه میان انسانها (بویژه مردان) و محیط زیست می باشند و ضمن دفاع از ارزش ها و شیوه های رفتاری که بیشتر در زنان مشاهده می شود (البته نه همه رفتارهای زنان) تا مردان، از قبیل صلح جوئی، آرامش جوئی، مهربانی و ضد قدرت طلبی، این طور استدلال می کنند که اگر چنین ویژگی هائی/ ویژگی های زنانه را کسب نماییم همه ی ما و در نتیجه کره زمین روزگار بهتری خواهد داشت. (شجاعی، ۱۳۷۸: ۱۰۸)

برخی نیز عقیده دارند که خصوصیات مردانه ی مرسوم مانند رقابت، خود پسندی، قطعیت، رهبری و عقلانیت در موارد مقتضی ارزشمند می باشند و باید در یک شخص متعادل با ویژگی های زنانه تلفیق گردند. اکوفمینیست ها بر این باور اند که مران تمایل دارند جهان را بر اساس یک " خود کامل" و یک " دیگری" بنگرند. جهان را به بخش های مجزا تجزیه می کنند. در این حالت " خود" در اینجا و نزدیک و همه چیز " دیگری" در خارج و دور تر قرار دارند. تجزیه و تحلیل های این چنینی این تصور را تقویت می کند که جهان طبیعی به سادگی یک سیستم مکانیکی است که انسانها می توانند آن را مورد بهره برداری و تخریب قرار دهند. از آنجا که زنان نیز به عنوان " دیگری" نگریسته می شوند، بر آنها نیز نفوذ و کنترل اعمال می گردد.

اکوفمینیسم وابستگی درونی تمام حیات را مورد تأکید قرار می دهد و نقش بشر را به عنوان بخشی از اکوسیستم زمین و طبیعت، غیر سلسله مراتبی که در آن تمام اجزا، یکدیگر را متأثر می سازند، مورد تأکید قرار می دهد تا روابطی را که توسط ارزشهای کنترل شده و ستم تحت تأثیر قرار گرفته را بی اثر نماید. (پایگاه اینترنتی The green fuse، ۲۰۰۶)

جویدیت پلانت بر این باور است که مردان با دنیایی که مثل خانه است، بیگانه شده اند، دنیایی که تمام کسانی را که در آن هستند تغذیه می کند و احتیاج دارد که به تمام جنبه های زندگی توجه نماید. کاترین دیویس و دیگر اکوفمینیست ها بر این باور اند که اگرچه ارتباط عمیقی میان زنان و طبیعت وجود دارد، این ارتباط توسط اجتماع به وجود آمده است. ارزیابی مجدد این ارتباط مهم است، همچنین تغییر ارتباطات بین مردان و زنان و میان مردان و طبیعت نیز حیاتی می باشد. بسیاری از آنها بر این باور اند که مردان نسبت به زنان استعداد پذیرش آگاهی های زیست محیطی عمیق تری دارند، اما برای کسب کامل آن آگاهی ها به جدیت بیشتری نیاز دارند.

فمینیسم فرهنگی بر این باور است که زنان در واقع بیشتر پرورش دهنده، صلح جو، همکاری کننده اند و نسبت به مردان به اندازه بیشتری به طبیعت نزدیکتر هستند. مری دیلی بر این باور است که اگر زنان خودشان را با "طبیعت زنانه" یکی کنند قادر خواهند بود فضاهائی را بیافرینند که از تأثیر مرد سالاری محفوظ بمانند. (همانجا)

اگر چه بسیاری از آنها مرد سالاری را ریشه ی اصلی عدم موفقیت های بشری می دانند، تئوریسین هائی از جمله چلیس گیلن دینینگ بر این باوراند که جدایی ما از طبیعت به ۲۰ هزار سال پیش بر می گردد، زمانی که بشر از فرهنگ جمع آوری شکار به اهلی کردن حیوانات و گیاهان پرداخت. دیگر اکوفمینیست ها تغییر ایدئولوژی را که در طول جریان روشنفکری اروپا در قرن هجده اتفاق افتاد علت اصلی این جدایی می دانند.

کارولین مرچنت (در کتاب مرگ طبیعت) توضیح می دهد که چگونه گیتی شناسی ارگانیک که برای قرن ها آن ها را به حمایت از طبیعت کمک کرده بود، به واسطه ی انقلاب های علمی و فرهنگی مربوط به جریان روشنفکری برچیده شد. کارولین مرچنت بر ظهور یک ایدئولوژی کاپیتالیست، تکنولوژیک و علمی با تفکر پیشرفت در طول ۲۰۰ سال گذشته تأکید دارد. جویدیت پلانت بر این باور است که جامعه غربی پیش از دوران صنعتی از استعاره های ارگانیک (مادر طبیعت، مادر زمین) استفاده کرد تا خود، جامعه و طبیعت را شرح دهد. این استعاره ها به عنوان منبع قدرتمندی برای آنچه که آنها وظیفه ی اخلاقی خود می دانستند تا از محیط زیست مراقبت و حمایت نمایند در نظر گرفته می شد (لانگنکر، ۲۰۰۵: ۲). چرا که زمین به عنوان موجودی زنده شناخته می شد. (زن و طبیعت را ببینید) انقلاب علمی روشنگری این استعاره های ارگانیک را با استعاره های مکانیک جایگزین کرد. جهان دیگر بعنوان

يك ارگانيسم زنده شناخته نمي شد بلکه بعنوان يك ماشين در نظر گرفته مي شد، و طبيعت صرفاً منيعي براي استفاده بشري بوده است. (پاينگاه اينتر نتي The green fuse، ۲۰۰۶) آنچه مسلم است، اين است که زنان امروزه در نواحی روستایی و شهری با فعالیت های خود راه را برای ایجاد محیط زیست سالم هموار می کنند. آنان با آگاهی کامل از وضعیت اکوسیستم جهانی برای بهبود بخشیدن به اوضاع، دست به فعالیت های بومی می زنند، به این دلیل که آنها مادر هستند و باروری ایجاد می کنند، ارتباط صمیمی و نزدیکتری با طبیعت و محیط زیست خود دارند و به آن با عاطفه و احساس بیشتری توجه می کنند. زنان در سیاست های سبز پیشگام هستند. ترس از آینده، ترس از آینده، ترس از محیط زیست صدمه دیده و خطرناک و سختی هایی که محیط زیست آسیب دیده برای آنان به ارمغان می آورد، زنان جهان امروز را متحد می کند. مارتین براون معتقد است زنان و محیط زیست منابع با ارزشی در خدمت جوامع هستند، که ارزش واقعی آنها شناخته نشده است. زنان در سراسر تاریخ همواره پیوند دهنده بوده اند، رشته ایی بوده اند که کودکان را به بزرگترها، خانه و منابع جامعه، محصولات مزارع و محصولات مورد استفاده ی مردم را به هم پیوند می دادند. اگر قصد زندگی کردن در قرن ۲۱ را داریم برای پیوند بسیاری از رشته ها، برای دیدن بهتر روابط بین آنها، باید به توانایی های زنان و مشارکت آنها متوسل شویم و از دانش زنان استفاده کنیم. زنان باید برای دست یابی به صلح با طبیعت نظر خود را با قاطعیت ابراز کنند و توجه خود را به روند های تصمیم گیری که باعث نابودی محیط زیست می شود معطوف دارند. زنان قادر اند نشان بدهند که چگونه با قرار دادن تصمیمات و فعالیت هایشان در چهارچوبی که طبیعت قادر به تحمل آن است می توانند آینده را تسخیر کنند. (براون، ۱۳۷۱: ۲۶)

اکوفمینیسم از صدای زنانی پدید می آید که سلطه زیان بخش بر طبیعت را تجربه کرده اند و پیوند های متقابل بین سلطه بر طبیعت و زن را می شناسند. اکوفمینیسم از صدای زنان چپیکو پدید می آید که تخریب زمین ، خاک و آب را در ارتباط تنگاتنگ در بقای اقتصادی خود تلقی می کنند (پیام، ۱۳۷۱: ۹) و باز اکوفمینیسم از جنبش کمربند سبز زنان کنیائی با شعار همه با هم بکوشیم زمین را حفظ کنیم پدید می آید. (ماآنائی، ۱۳۷۱: ۲۳) نظریه اکوفمینیستی و شیوه ی عمل زنان، نشانگر بهائی است که زنان برای زندگی در محیط های مختلف ارائه می دهند تا بتوانند نقش سازنده و حمایت کننده خود را نسبت به محیط زیست ایفا نمایند، بویژه در شهرها که امکان مشارکت زنان در حفظ محیط زیست از طریق تعیین الگوی مصرف و اصلاح ساختارهای مصرف و... بدست می آید.

روش تحقیق

پژوهش حاضر يك تحقيق رفتار سنجي بر مبنای محیط جغرافیایی است. جهت بررسی عوامل تأثیر گذار بر میزان مشارکت زیست محیطی زنان از شاخص های مختلف اقتصادی ، اجتماعی و سکونتی استفاده شده است.

روش نمونه گیری از نوع تصادفی بوده، در نتیجه در سطح دو منطقه ۱۰۰ خانوار انتخاب گردیده است. اطلاعات این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه ای و پرسشنامه از طریق مصاحبه جمع آوری شده است. مکان مورد مطالعه، کلانشهر تهران بوده که با وضعیت زیست محیطی بحرانی دارای انواع آلودگی ها از جمله آلودگی هوا، آب ، آلودگی صوتی، فقدان ایمنی در برابر بلایای طبیعی (زلزله، سیل و...) می باشد. نمونه های مورد بررسی نیز از دو منطقه ۶ و ۷ شهرداری شهر تهران انتخاب گردیده است . منطقه ۶ شهر داری ، منطقه ای است که در دی ماه ۱۳۸۰ ، معاونت خدمات شهرداری و سازمان بازیافت و تبدیل مواد شهرداری تهران، در طرحی آزمایشی ناحیه یك، آن را به عنوان ناحیه ی سبز (ناحیه الگو) برای آزمایش طرح هایی در زمینه ی تفکیک زباله از مبدا معرفی کرد. انتخاب این منطقه، با هدف امکان مقایسه ی نتایج حاصل از منطقه ی دیگر (منطقه ۸) و ارزیابی تأثیر شاخص های تحقیق و ثمر بخشی اقدامات منطقه ی ۶ به عنوان گروه تجربی پژوهش در مقایسه با منطقه ی ۸ می باشد. یافته های پژوهش ، پس از کد گذاری ، با نرم افزار رایانه ای spss پردازش و با بهره گیری از روش های آماری توصیفی (فراوانی، در صد و...) تجزیه و تحلیل گردیده است.

جهت بررسی همبستگی میزان مشارکت با متغیر های کمی مدل ، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. بررسی متغیرهای کیفی تحقیق با متغیر میزان

مشارکت نیز با استفاده از ضریب Eta صورت گرفته است. این نوشتار بیانگر بخشی از حاصل پژوهش میدانی است که به دلیل عدم امکان ارائه ی تمام مطالب، تلاش گردیده، ضمن بیان عوامل تأثیر گذار بر میزان مشارکت زیست محیطی زنان مهمترین نقش زنان یعنی همکاری در زمینه تفکیک زباله را بیان نماید. جمع آوری اطلاعات میدانی این پژوهش در سال ۱۳۸۵ و استخراج داده ها و آزمونهای مربوطه در سال ۱۳۸۶ انجام گرفته است.

یافته های تحقیق
در این بخش، صرفنظر از بیان ویژگی های جغرافیایی دو منطقه، به بیان یافته های تحقیق میدانی می پردازیم:

۱- ویژگی پاسخگویان از نظر سنی

جدول شماره ۱: توزیع پاسخگویان به تفکیک سن

| جمع | +۵۱ | | ۴۱-۵۰ | | ۳۱-۴۰ | | ۲۰-۳۰ | | سن مناطق |
|-----|------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-----------------|
| | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | |
| ۵۰ | ۶ | ۳ | ۳۰ | ۱۵ | ۴۶ | ۲۳ | ۱۸ | ۹ | ۶ |
| ۵۰ | ۱۲ | ۶ | ۳۰ | ۱۵ | ۵۰ | ۲۵ | ۸ | ۴ | ۸ |
| ۱۰۰ | ۹ | ۹ | ۳۰ | ۳۰ | ۴۸ | ۴۸ | ۱۲ | ۱۳ | محدوده مطالعاتی |

منبع: نگارنده

سن زنان در رفتارهای اجتماعی و ادراک و آگاهی فردی تأثیر بسیار زیادی دارد. بر اساس نتایج آماری، کمترین میزان سن ۲۶ سال و بیشترین میزان آن ۵۸ سال است که دامنه ی مناسبی برای لحاظ سنی می باشد. میانگین سنی نمونه های پژوهش ۳۹ سال است که ظرفیت مثبت و مطلوبی برای انتقال و پذیرش دانش و ارتقای سطح نگرش و زمینه ی مساعد افزایش توانمند سازی و همکاری اجتماعی زنان در حفظ محیط زیست شهری محسوب می گردد. از مجموع گروه های سنی، بر اساس طبقه بندی انجام شده از نمونه های عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در ۳۱ سال قرار گرفته اند، در نتیجه این گروه سنی می تواند محسوس سواری و سیدی بر سایر گذاری بر روند مشارکت زیست محیطی بر عهده داشته باشند.

۲- ویژگی پاسخگویان از نظر سطح تحصیلات

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات

| جمع | فوق لیسانس و بالاتر | | لیسانس | | فوق دیپلم | | دیپلم | | ابتدائی و سیکل | | مناطق تحصیلات |
|-----|---------------------|-------|--------|-------|-----------|-------|-------|-------|----------------|-------|-----------------|
| | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | |
| ۵۰ | ۰ | ۰ | ۱۶ | ۸ | ۱۸ | ۹ | ۵۰ | ۲۵ | ۱۶ | ۸ | ۶ |
| ۵۰ | ۲ | ۱ | ۱۸ | ۹ | ۴ | ۲ | ۳۲ | ۱۶ | ۴۴ | ۲۲ | ۸ |
| ۱۰۰ | ۱ | ۱ | ۱۷ | ۱۷ | ۱۱ | ۱۱ | ۴۱ | ۴۱ | ۳۰ | ۳۰ | محدوده مطالعاتی |

منبع: نگارنده

سطح تحصیلات یکی از شاخص های مهم اجتماعی - فرهنگی است که با دیگر ابعاد زندگی اجتماعی افراد در رابطه نزدیک می باشد. سطح تحصیلات بالاتر به عنوان یکی از عوامل مهم و مؤثر در میزان آگاهی و پذیرش آموزش های زیست محیطی به شمار می

آید. مسلماً زنان با تحصیلات بالاتر اطلاعات کامل تری از محیط زیست و عوامل آلوده کننده های آن دارند و مشروط بر فراهم نمودن زمینه های مساعد مشارکت، فعالیت ها را با درک و اطلاع بیشتر قطعاً با موفقیت انجام می دهند. گذشته از آن زن با سواد در انتقال فرهنگ زیست محیطی به نسل آینده نقش بسیار مهمی بر عهده دارد.

یافته های تحقیق نشان می دهد که بیشتر پاسخگویان (۴۱٪) در حد دیپلم سواد دارند، کمترین سواد آنان در حد ابتدایی و سیکل بوده (۳۰٪) و تنها ۱٪ دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر می باشند.

با توجه به جدول شماره ۲، منطقه ۸ از میزان تحصیلات کمتر و منطقه ۶ از میزان تحصیلات بیشتری برخوردار می باشند. که این مسأله می تواند در افزایش میزان مشارکت آنان مؤثر واقع گردد.

۳- ویژگی پاسخگویان از نظر تعداد فرزندان

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب تعداد فرزندان

| تعداد مناطق | ۰ | | ۱ | | ۲ | | ۳ | | ۴ | | جم ع |
|-----------------|-------|------|-------|------|-------|------|-------|------|-------|------|------|
| | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | |
| ۶ | ۲ | ۴ | ۱۳ | ۲۶ | ۳۰ | ۶۰ | ۵ | ۱۰ | ۰ | ۰ | ۵۰ |
| ۸ | ۰ | ۰ | ۱۰ | ۲۰ | ۲۶ | ۵۲ | ۱۲ | ۲۴ | ۰ | ۰ | ۵۰ |
| محدوده مطالعاتی | ۲ | ۲ | ۲۳ | ۲۳ | ۵۶ | ۵۶ | ۱۷ | ۱۷ | ۰ | ۰ | ۱۰۰ |

منبع: نگارنده

تعداد فرزندان با توجه به میزان صرف وقت زنان و رسیدگی به امور آنان، از عوامل تاثیر گذار بر اقدام به مشارکت اجتماعی آنها محسوب می گردد. معمولاً زنانی که فرزندان کمتری دارند، می توانند زمان و فرصت بیشتری جهت فعالیت های اجتماعی، از جمله فعالیت در راستای حفظ محیط زیست داشته باشند. در نتیجه مشارکت زنان کم فرزند بیشتر خواهد بود. بیش از نیمی از زنان خانوارهای نمونه (۵۶٪) دارای ۲ فرزند می باشند، نتیجه اینکه نقش زنان کم فرزند در این پژوهش بسیار با اهمیت می باشد. البته تعداد فرزندان با توجه به فرهنگ سازی و ارتقای درک و آگاهی و نیز مشکلات اقتصادی، کاهش یافته بنابر این تعداد زیادی از زنان، امکان مشارکت را خواهند داشت.

۴- ویژگی پاسخگویان از نظر ساعات اشتغال

جدول شماره ۴: میزان ساعات اشتغال زنان در مناطق مورد مطالعه

| مناطق | ۰ | | ۶ | | ۷ | | ۸ | | جمع |
|-----------------|-------|------|-------|------|-------|------|-------|------|-----|
| | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | |
| ۶ | ۲۹ | ۵۸ | ۳ | ۶ | ۱۵ | ۳۰ | ۲ | ۶ | ۵۰ |
| ۸ | ۲۱ | ۶۲ | ۰ | ۰ | ۱۷ | ۳۴ | ۲ | ۴ | ۵۰ |
| محدوده مطالعاتی | ۶۰ | ۶۰ | ۳ | ۳ | ۳۲ | ۳۲ | ۵ | ۵ | ۱۰۰ |

منبع: نگارنده

به لحاظ اینکه میزان ساعات فراغت می تواند در میزان مشارکت زنان تأثیر گذار باشد، در نتیجه زنانی که مدت اشتغال بالاتری دارند، بالطبع میزان همکاری کمتری خواهند داشت. از

طرف دیگر زنان شاغل حضور اجتماعی بیشتری داشته و این امر موجب افزایش آگاهی های زیست محیطی آنان می گردد و باعث می شود که آنان در جریان مسایل روز قرار گرفته و نسبت به آن حساسیت های لازم را به خرج دهند. زن شاغل و تحصیل کرده، رابطه ی مساوی با شوهرش دارد، استقلال مطالعه و فکراساست و سعی می کند آگاهی های خود را بالا ببرد.

در ضمن باید به این مسأله نیز توجه داشت، در جامعه ای که سطح هزینه ی زندگی بالا است و مردم مجبور هستند که ساعات بیشتری از شبانه روز برای تهیه مخارج زندگی، کار کنند، طبیعی است که فرصت کمتری برای همکاری در امور اجتماعی پدید آید. با توجه به ساعات اشتغال، گروه بندی بین نمونه ها صورت گرفته است. به طور کلی ۶۰٪ نمونه ها غیر شاغل هستند که این مسأله می تواند در میزان فعالیت های اجتماعی آنان تأثیر گذار باشد. به طوری که اشتغال کمتر، فرصت ها و امکانات بیشتری برای مشارکت زنان بر و وود می آورد و می تواند به عنوان توان های بالقوه در نظر گرفته شود.

۵- ویژگی پاسخگویان از نظر هزینه خانوار

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب هزینه ها

| میزان مناطق | -۳۰۰۰۰۰۰ ۱۰۰۰۰۰۰ | | -۶۰۰۰۰۰۰ ۳۰۰۰۰۰۰ | | +۶۰۰۰۰۰۰ | | جمع |
|-----------------|---------------------|------|---------------------|------|----------|------|-----|
| | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | |
| ۶ | ۲۸ | ۵۶ | ۲۱ | ۴۲ | ۱ | ۲ | ۵۰ |
| ۸ | ۲۳ | ۴۶ | ۲۷ | ۵۴ | ۰ | ۰ | ۵۰ |
| محدوده مطالعاتی | ۵۱ | ۵۱ | ۴۸ | ۴۸ | ۱ | ۱ | ۱۰۰ |

منبع: نگارنده

درآمد اقتصادی، حاکی از طبقه ی اجتماعی خانوارها می باشد، و میزان هزینه ی مصرفی خانوارها نیز در رابطه ی نزدیک با درآمد خانواده ها است. هر چه زنان از نظر اقتصادی در وضعیت بهتری قرار گرفته باشند، در نتیجه الگوی مصرف خاص طبقه اجتماعی خود (از جمله استفاده از ظروف یک بار مصرف، خرید مواد خوراکی در بسته بندی و...)، محیط زیست را بیشتر آلوده می نمایند. ولی از طرفی زنانی که از نظر اقتصادی در موقعیت مناسب تری قرار دارند، در صورت اقدامات اساسی و پایه ای از سوی مدیریت شهری و نهادینه شدن فرهنگ مشارکت زیست محیطی بهتر می توانند به توصیه های مربوط به حفظ محیط زیست عمل نمایند (مثلاً تهیه کیسه های مخصوص زباله و...) زیرا زنانی که از نظر اقتصادی در سطح پایین تری قرار دارند و در جهت تامین احتیاجات زندگی خود مشکل دارند، گوش شنوایی برای رعایت توصیه های مربوط به حفظ محیط زیست اطراف را ندارند. در تحقیق میدانی کمترین هزینه ها ۱۰۰۰۰۰۰ ریال و بیشترین آن ۷۰۰۰۰۰۰ ریال بیان شده است.

۶- ویژگی پاسخگویان از نظر نحوه تصرف مسکن

جدول شماره ۶: توزیع فراوانی نحوه تصرف

| نحوه تصرف مناطق | ملکی | | استیجاری | | جمع |
|-----------------|-------|------|----------|------|-----|
| | تعداد | درصد | تعداد | درصد | |
| ۶ | ۳۰ | ۶۰ | ۲۰ | ۴۰ | ۵۰ |
| ۸ | ۲۴ | ۴۸ | ۲۶ | ۵۲ | ۵۰ |
| محدوده | ۵۴ | ۵۴ | ۴۶ | ۴۶ | ۱۰۰ |

| | | | | | | |
|--|--|--|--|--|--|----------|
| | | | | | | مطالعاتی |
|--|--|--|--|--|--|----------|

منبع: نگارنده

از جمله شاخص های اقتصادی، نحوه ی تصرف مسکن می باشد. این شاخص کیفی است و بیانگر وضعیت اقتصادی خانوارها می باشد که وابسته به میزان درآمد می باشد. نحوه ی تصرف مسکن به دو صورت ملکی و استیجاری بیان گردیده است. همانطوریکه از جدول پیداست در منطقه ۶ شهر داری تهران، ۶۰٪ از خانوارهای مورد نمونه دارای مسکن ملکی و ۴۰٪ دارای مسکن استیجاری می باشند. در صورتی که بیش از نیمی (۵۲٪) از جمعیت ساکن در منطقه ی ۸ در منازل استیجاری به سر می برند. افزایش میزان مسکن ملکی در منطقه ی ۶ نشانگر وضعیت اقتصادی و درآمدی بهتر و سابقه ی بیشتر سکونت در این محدوده ی جغرافیایی می باشد. این عوامل همگی تا ثیر گذار بر میزان مشارکت زیست محیطی زنان می باشد و شروط بر رفع مشکلات مشارکتی، آمادگی بیشتری جهت همکاری در طرح های مربوط به حفظ محیط زیست محله و شهر خود می باشند.

۷- بررسی وضعیت مسکن پاسخگویان

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی وضعیت مسکن

| جمع | مجتمع مسکونی | | آپارتمان بلند مرتبه | | آپارتمان تا ۴ طبقه | | تک واحدی | | وضعیت مسکن مناطق |
|-----|--------------|-------|---------------------|-------|--------------------|-------|----------|-------|------------------|
| | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | |
| ۵۰ | ۲ | ۱ | ۶ | ۳ | ۸۴ | ۴۲ | ۸ | ۴ | ۶ |
| ۵۰ | ۶ | ۳ | ۶ | ۳ | ۸۲ | ۴۱ | ۶ | ۳ | ۸ |
| ۱۰۰ | ۴ | ۴ | ۶ | ۶ | ۸۳ | ۸۳ | ۷ | ۷ | محدوده مطالعاتی |

منبع: نگارنده

وضعیت مسکن خانوارهای شهری نیز از جمله متغیرهایی است که می تواند امکانات و یا محدودیت هایی را برای زنان خانوارها در خصوص شیوه مشارکت و همکاری آنان در زمینه برنامه ها و طرح های مختلف ایجاد نماید. به عنوان مثال در مجموعه های مسکونی بزرگ، زمینه ی فراهم آوردن امکاناتی برای بازیافت و یا استفاده از وسایل مشترک (به عنوان مثال وسایلی از جمله نردبان، اره ی برقی، ماشین چمن زنی، تلمبه و... را که کمتر مورد استفاده قرار می گیرد و می توانند به طور مشترک بین اعضای مجتمع مسکونی مورد استفاده قرار گیرد. استفاده ی اشتراکی از این اقلام هم موجب صرفه جویی در هزینه ها و هم صرفه جویی در منابع می شود) به مراتب آسان تر از واحد های مسکونی تک واحدی و واحد های آپارتمانی کوچک است. با توجه به جدول شماره ی ۷ بیشترین میزان (۸۳٪) خانوارها در دو منطقه ی مطالعاتی در آپارتمانزندی می کنند. زندگی آپارتمانی به جهت گرانی مسکن می باشد در نتیجه نوع مسکن در رفتارهای مشارکتی زنان تا ثیر گذار است.

۸- ویژگی پاسخگویان از نظر مدت سکونت

جدول شماره ۸: فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب مدت سکونت

| جمع | + ۳۰ | | ۲۱-۳۰ | | ۱۱-۲۰ | | ۰-۱۰ | | مدت مناطق |
|-----|------|-------|-------|-------|-------|-------|------|-------|-----------------|
| | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | |
| ۵۰ | ۰ | ۰ | ۸ | ۴ | ۲۶ | ۱۳ | ۶۶ | ۳۳ | ۶ |
| ۵۰ | ۲ | ۱ | ۶ | ۳ | ۲۴ | ۱۲ | ۶۸ | ۳۴ | ۸ |
| ۱۰۰ | ۱ | ۱ | ۷ | ۷ | ۲۵ | ۲۵ | ۶۷ | ۶۷ | محدوده مطالعاتی |

منبع: نگارنده

از جمله شاخص هایی که بر میزان افزایش مشارکت زیست محیطی زنان تاثیر گذار است، مدت سکونت می باشد. مدت سکونت بیشتر در یک محله باعث افزایش همبستگی و وفاق محله ای ساکنین گشته و همکاری آنان در فعالیت های دسته جمعی را بیشتر می نماید. زیرا افراد بر خورد های طولانی تری با یکدیگر داشته و نسبت به فضای زندگی تعلق خاطر بیشتری در مقایسه با تازه واردین احساس می کنند.

در مطالعه ی میدانی فقط ۷٪ خانوارها تا ۳۰ سال در محل سکونت خویش اقامت داشته اند. بیشتر خانوارها (۶۷٪) تا ۱۰ سال در محل سکونت خویش اقامت داشته اند.

جدول شماره ۹: همبستگی شاخص های مورد مطالعه

| متغیرها | سن | تحصیلات | تعداد فرزندان | ساعات اشتغال | هزینه خانوار | مدت سکونت | میزان مشارکت |
|---------------|------|---------|---------------|--------------|--------------|-----------|--------------|
| سن | ۱ | -۰/۱ | ۰/۴ | -۰/۱ | ۰/۲ | ۰/۵ | -۰/۱ |
| تحصیلات | -۰/۱ | ۱ | -۰/۲ | ۰/۶ | ۰/۴ | ۰/۰۰۴ | ۰/۲ |
| تعداد فرزندان | ۰/۴ | -۰/۲ | ۱ | -۰/۲ | ۰/۱ | ۰/۲ | -۰/۱ |
| ساعات اشتغال | -۰/۱ | ۰/۶ | -۰/۲ | ۱ | ۰/۲ | -۰/۰۵ | -۰/۰۳ |
| هزینه خانوار | ۰/۲ | ۰/۴ | ۰/۱ | ۰/۲ | ۱ | ۰/۰۸ | ۰/۰۹ |
| مدت سکونت | ۰/۵ | ۰/۰۰۴ | ۰/۲ | -۰/۰۵ | ۰/۰۸ | ۱ | ۰/۰۱ |
| میزان مشارکت | -۰/۱ | ۰/۲ | -۰/۱ | -۰/۰۳ | ۰/۰۹ | ۰/۰۱ | ۱ |

منبع: نگارنده

جهت بررسی همبستگی بین متغیر میزان مشارکت با متغیرهای کیفی (نحوه ی تصرف مسکن و وضعیت مسکن) از ضریب Eta استفاده شده است.

جدول شماره ۱۰ : همبستگی بین میزان مشارکت و وضعیت مسکن

| مقدار | |
|-------|------------------------------------|
| ۰/۱۵۵ | میزان همبستگی Eta کیفی با فاصله ای |

منبع : نگارنده

جدول شماره ۱۱ : همبستگی بین میزان مشارکت و نحوه تصرف مسکن

| مقدار | |
|-------|------------------------------------|
| ۰/۰۲۲ | میزان همبستگی Eta کیفی با فاصله ای |

منبع : نگارنده

۹- آشنایی زنان با بازیافت در مناطق مورد مطالعه

جدول شماره ۱۲: آیا تا به حال عبارت بازیافت را شنیده اید؟

| جمع | خیر | | بلی | | مناطق |
|-----|------|-------|------|-------|-----------------|
| | درصد | تعداد | درصد | تعداد | |
| ۵۰ | ۲ | ۱ | ۹۸ | ۴۹ | ۶ |
| ۵۰ | ۶ | ۳ | ۹۴ | ۴۷ | ۸ |
| ۱۰۰ | ۴ | ۴ | ۹۶ | ۹۶ | محدوده مطالعاتی |

منبع : نگارنده

امروزه بازیافت و استفاده مجدد از مواد زاید در دنیا به عنوان بهترین راه برای خلاصی انسان از معضل زباله شناخته شده است. بازیافت نیاز به محل دفن بهداشتی و زباله سوز را کاهش می دهد ، از آلودگی ایجاد شده توسط ساخت محصولات از مواد خالص و بکر جلوگیری می کند، باعث صرفه جویی در انرژی می شود، موجب کاهش انتشار گاز های گلخانه ای ، باعث حفاظت از منابع طبیعی و به طور کلی به پایداری محیط زیست شهری برای نسل آینده کمک می کند. در نتیجه اطلاع زنان از این مفهوم ، حاکی از آگاهیهای زیست محیطی و علم به ارزش بازیافت می باشد.

خوشبختانه حدود ۹۶% از کل خانوارهای نمونه در رابطه با پرسش آشنایی با اصطلاح بازیافت، جواب "بله" داده اند، که این امر حاکی از نقش مثبت فعالیت های تبلیغاتی و ترویجی شهرداری در چند سال اخیر می باشد. در نتیجه زمینه برای اجرای طرح های بازیافت در سطح شهر تهران آماده می باشد.

۱۰- تفکیک زباله در منزل

جدول شماره ۱۳: آیا تفکیک زباله در منزل انجام می شود؟

| جمع | گاهی | | خیر | | بلی | | مناطق |
|-----|------|-------|------|-------|------|-------|-----------------|
| | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | |
| ۵۰ | ۷۲ | ۳۶ | ۲ | ۱ | ۲۶ | ۱۳ | ۶ |
| ۵۰ | ۷۸ | ۳۹ | ۴ | ۳ | ۱۸ | ۹ | ۸ |
| ۱۰۰ | ۷۵ | ۷۵ | ۳ | ۳ | ۲۲ | ۲۲ | محدوده مطالعاتی |

منبع: نگارنده

پاسخ های دریافتی از عملکرد فعلی زنان خانوارهای نمونه در خصوص تفکیک زباله حاکی از این واقعیت است که در حال حاضر شرایط جهت این امر مهم مهیا نمی باشد. فقط حدود ۲۲٪ اقدام به تفکیک زباله (آن هم فقط تفکیک نان و برنج و کاغذ و شیشه) می نمایند. ۷۵٪ نیز اعلام داشته اند، گاهی اوقات موادی را از بین زباله ها تفکیک می نمایند و فقط ۳٪ جواب "خیر" داده اند. در حقیقت جواب ۷۵٪ را نیز باید به عنوان جواب "خیر" در نظر گرفت، زیرا شواهد امر گویای این واقعیت است که تفکیکی به صورت جدی و سیستماتیک در منازل صورت نمی گیرد.

۱۱- عدم تفکیک زباله

جدول شماره ۱۴: علت عدم تفکیک زباله چیست؟

| جمع | نداشتن انگیزه | | اعتقاد به بی اثر بودن | | عدم مراجعه ماموران شهرداری | | عدم وجود سطل های جداگانه | | کمبود وقت و نداشتن حوصله | | مناطق |
|-----|---------------|-------|-----------------------|-------|----------------------------|-------|--------------------------|-------|--------------------------|-------|-----------------|
| | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | |
| ۵۰ | ۲۸ | ۱۴ | ۴ | ۲ | ۴ | ۲ | ۲۸ | ۱۴ | ۳۶ | ۱۸ | ۶ |
| ۵۰ | ۳۴ | ۱۷ | ۴ | ۲ | ۳ | ۱ | ۳۲ | ۱۶ | ۳۸ | ۱۹ | ۸ |
| ۱۰۰ | ۲۶ | ۲۶ | ۴ | ۴ | ۳ | ۳ | ۳۰ | ۳۰ | ۳۷ | ۳۷ | محدوده مطالعاتی |

منبع: نگارنده

از آن جایی که عمل تفکیک زباله دارای مزایای زیادی است، سعی گردید با طرح سؤالی در خصوص علت عدم این کار، موانع اصلی این امر که تاثیر فراوانی در پایداری محیط زیست شهری دارد، را شناخت. جواب این سؤال و آگاهی از مشکلات مطرح شده، نشانگر ظرفیت های موجود و جلب همکاری زنان و رفع کاستی ها می باشد. در نتیجه ایجاد زمینه ی مناسب، افزایش آگاهیهای زیست محیطی، الزام این کار، ایجاد انگیزه برای تفکیک زباله و... از مهم ترین عوامل در تشویق این امر در نزد زنان شهری می باشد.

۱۲- میزان همکاری زنان

جدول شماره ۱۵: اگر امکان تفکیک زباله در اختیار شما باشد تا چه حد به انجام این کار تمایل دارید؟

| مناطق | کم | | متوسط | | زیاد | | خیلی زیاد | |
|-----------------|-------|------|-------|------|-------|------|-----------|------|
| | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد |
| ۶ | ۰ | ۰ | ۷ | ۱۴ | ۲۱ | ۴۲ | ۲۲ | ۴۴ |
| ۸ | ۱ | ۲ | ۳ | ۶ | ۲۶ | ۵۲ | ۲۰ | ۴۰ |
| محدوده مطالعاتی | ۱ | ۱ | ۱۰ | ۱۰ | ۴۷ | ۴۷ | ۴۲ | ۴۲ |

منبع: نگارنده

بررسی نتایج حاصل از آگاهی ظرفیت های بالقوه و تمایل خانوارهای نمونه به همکاری در امر تفکیک زباله نشان می دهد که اکثریت زنان، مشروط بر ایجاد شرایط تفکیک زباله، حاضر به این امر مهم می باشند.

۱۳- کاهش حجم پسماند

شماره ۱۶: چگونه اعتقاد دارید که حجم زباله را کمتر نمایید؟

| مناطق | با کم مصرف کردن | | بازیافت | | خرید هوشمندانه | |
|-----------------|-----------------|------|---------|------|----------------|------|
| | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد |
| ۶ | ۴ | ۸ | ۳۸ | ۷۶ | ۸ | ۱۶ |
| ۸ | ۳۲ | ۶۴ | ۱۲ | ۲۴ | ۶ | ۱۲ |
| محدوده مطالعاتی | ۳۶ | ۳۶ | ۵۰ | ۵۰ | ۱۴ | ۱۴ |

منبع: نگارنده

منظور از کاهش حجم پسماند، آموزش به مصرف کنندگان است تا قبل از خرید، به

حجم زباله

تولیدی از مواد خریداری شده توجه کنند تا پسماند اضافی تولید نکنند. زیرا پسماند کمتر به معنی هزینه کمتر و در دسترس کمتر برای دفن آن می باشد. زنان خانوار های شهری که وظیفه ی خرید مایحتاج زندگی را بر عهده دارند، می توانند با تصمیمات آگاهانه ی زیست محیطی در خرید و مصرف، نقش مؤثری در جهت کاهش مقدار پسماند تولید شده داشته باشند. اغلب کالاهایی که بسته بندی کمتری دارند و کمتر انرژی برای حمل و نقل آنها به فروشگاهها صرف شده و به طور کلی صرفه جویی در هزینه ها به اندازه صرفه جویی در منابع برای آنها صورت گرفته است بهترین گزینه می باشد.

۱۴- نقش زنان در نهادینه نمودن فرهنگ زیست محیطی

جدول شماره ۱۷: آیا در حفظ محیط زیست به فرزندان خود تاکید دارید؟

| مناطق | بلی | | خیر | |
|-----------------|-------|------|-------|------|
| | تعداد | درصد | تعداد | درصد |
| ۶ | ۱۹ | ۳۸ | ۳۱ | ۶۲ |
| ۸ | ۱۸ | ۳۶ | ۳۲ | ۶۴ |
| محدوده مطالعاتی | ۲۷ | ۳۷ | ۶۳ | ۶۳ |

منبع: نگارنده

آموزش های زیست محیطی باید از خانه و توسط مادر صورت پذیرد. چنانچه مادران خود فرهنگ زیست محیطی را کسب نمایند به خوبی می توانند آن را به فرزندان شان انتقال دهند.

۱۵- راهکارهای افزایش همکاری زنان در امر بازیافت

جدول شماره ۱۸: بهترین شیوه جهت همکاری در امر بازیافت چیست؟

| جمع | سایر موارد | | توزیع کیسه های مخصوص بین خانواده ها | | اجبار از طرف شهرداری | | تشویق از طریق دادن هدایا | | آموزش از طریق تلویزیون | | مناطق |
|-----|------------|-------|-------------------------------------|-------|----------------------|-------|--------------------------|-------|------------------------|-------|-----------------|
| | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | |
| ۵۰ | ۰ | ۰ | ۳۰ | ۱۵ | ۸ | ۴ | ۶ | ۳ | ۶۰ | ۳۰ | ۶ |
| ۵۰ | ۰ | ۰ | ۱۲ | ۶ | ۰ | ۰ | ۵۴ | ۲۷ | ۳۴ | ۱۷ | ۸ |
| ۱۰۰ | ۰ | ۰ | ۲۱ | ۲۱ | ۲ | ۲ | ۳۰ | ۳۰ | ۴۷ | ۴۷ | محدوده مطالعاتی |

منبع: نگارنده

از آن جایی که هر پژوهش علمی جهت ارائه ی راه حل های اساسی در راستای موضوع مورد بررسی است، راهکارهای افزایش میزان همکاری در امر بازیافت زباله از زنان خانوارهای مورد نمونه، مورد پرسش قرار گرفت. حدود ۴۷٪ از زنان تبلیغات و آموزش از طریق تلویزیون را بسیار مهم و اساسی دانسته و ۳۰٪ نیز تشویق از طریق دادن هدایا را به عنوان راه حل اعلام داشته اند. ۲٪ نیز، اجبار از طرف شهر داری را راه حل اساسی ذکر کرده اند. ۲۱٪ نیز توزیع کیسه های مخصوص بین خانواده ها را راه حل اعلام داشته اند.

نتیجه گیری

طبق گزارش های به عمل آمده، جمعیت شهری جهان از ۲/۸۶ میلیارد نفر در سال ۲۰۰۰ میلادی به ۴/۹۸ میلیارد نفر در سال ۲۰۲۰ خواهد رسید. که از ۲/۱۲ میلیارد اضافه جمعیت پیش بینی شده، تنها ۲۸ میلیون نفر در شهرهای کشورهای توسعه یافته و تقریباً حدود ۲ میلیارد نفر در شهرهای کشورهای در حال توسعه و جهان سوم ساکن خواهند شد. نرخ رشد جمعیت شهری جهان سالانه ۱/۸٪ و نرخ رشد جمعیت روستایی ۰/۱٪ پیش بینی شده است. تا سال ۲۰۲۰ حدود ۶۰٪ جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد و بیشتر جمعیت شهر نشین جهان در شهرهای بالای یک میلیون نفر سکونت خواهند یافت (هو، ۲۰۰۶: ۱، ۱۰).

این افزایش جمعیت شهری به معنی از بین بردن منابع طبیعی و تبدیل این منابع به کالاهای مصرفی و در نهایت تولید آلاینده ها و زباله های بیشتر در محیط زیست است، که با توجه به اصل تنگنای محیط باید نوع و میزان تولید ضایعات و آلوده سازی با توانایی جذب و هضم سیستم شهری متناسب باشد.

بیشتر کلانشهرهای کشورهای در حال توسعه و از جمله کلانشهر تهران، با مسایل و مشکلات زیست محیطی فراوانی مواجه می باشند که ناشی از نبود امکانات در ارائه ی مناسب خدمات اولیه شهری می باشد. بطور مثال در نتیجه ی عدم جمع آوری به موقع زباله ها، مسایلی از جمله بوی نامطلوب، افزایش جانوران موزی، و... سبب ساز بحران های زیست محیطی شهرها می گردد، که سلامت ساکنان مناطق را به مخاطره می اندازد. وجود خصیصه هایی مانند مشارکت پذیری، اعتماد به یکدیگر، توجه به مسایل عمومی و عضویت در نهاد ها و انجمن های داوطلبانه و مدنی در میان شهروندان (سرمایه ی اجتماعی) عامل اساسی در موفقیت نهادهای اداره کننده ی شهرها می باشد. بدون تردید نیمی از جمعیت شهری را زنان تشکیل می دهند که بر اساس نگرش اکوفمینیستی ارتباط نزدیکی با محیط زیست خود دارند، و می توانند مشارکت و همکاری سازنده ای در حفظ بستر زندگی خود بر عهده داشته باشند. همکاری و مشارکت زنان به معنی دخالت همه جانبه ی آنان اعم از همفکری، مشاوره، تصمیم گیری و اجرا در امور اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی و... است که به آنان امکان می دهد تا در فرآیند مدیریت جامعه مشارکت و همکاری فعالی داشته باشند.

مشارکت پدیده ای اجتماعی - فرهنگی و نمود عقاید، باورها و فرهنگ انسانی است. زیرا عوامل فرهنگی از عوامل مؤثر در رفتارهای اجتماعی است که بر محیط زیست نیز تأثیر گذار می باشد. البته ویژگیهای اقتصادی نیز از عوامل تأثیر گذار بر ویژگی های اجتماعی- فرهنگی است، به طوریکه زمینه ساز بروز رفتارهای اجتماعی در محیط زیست می باشد، که بر شرایط اجتماعی- فرهنگی نیز در مواردی تأثیر دارد. بنابراین با توجه به شرایط خاص اقتصادی خانوارها، زمینه های مشارکت و همکاری زنان، مشخص می گردد.

در این باره عوامل تأثیر گذار بر مشارکت زنان در دو منطقه شهر تهران مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می دهد میزان مشارکت زنان با سن، تعداد فرزندان و ساعات اشتغال همبستگی معکوس و با میزان تحصیلات، هزینه خانوار، مدت سکونت، وضعیت و نحوه ی تصرف مسکن همبستگی مستقیم دارد. از جمله فعالیت هایی که زنان می توانند در آن همکاری سازنده ای داشته باشند، شرکت در طرح های بازیافت زباله می باشد. ارتباط این طرح ها با زنان به این صورت می باشد که چون بیشترین حجم زباله های شهری (۸۰ تا ۸۵٪) از منازل جمع آوری می شود و اقتصادی ترین روش بازیافت، تفکیک زباله از مبدأ (خانه) می باشد، زنان بیشترین گروه مخاطب این طرحها بوده و همکاری و نیز آگاهی های زیست محیطی و به طور کلی توانمند سازی آنان کلید اصلی موفقیت این طرح ها محسوب می شود. یافته های این تحقیق نشان می دهد که علی رغم نبود بر نامه های منسجم جهت اجرای طرح بازیافت مواد در شهر و عدم تفکیک اصولی زباله توسط زنان خانوارهای مورد نمونه، آمادگی و تمایل زنان دار شهر تهران به لحاظ آگاهی از اهمیت این امر بسیار دلگرم کننده می باشد و زمینه برای اجرای این طرح ها آماده می باشد، مشروط بر اینکه موانع همکاری آنان حل گردد. تحقق سیاست های اجرایی در خصوص بازیافت مواد، از جمله راهکار های اساسی در تضمین حفظ و پایداری محیط زیست شهری می باشد.

باید به این مسأله نیز توجه داشت که همکاری زنان وابسته به اقدامات اساسی و پایه ای است و این اقدامات می تواند در قالب فعالیت های دولتی و فرهنگی تأثیر زیادی بر همکاری زنان داشته باشد. وجود قوانین، اقدامات اساسی از سوی مدیریت شهری و فرهنگ سازی و تبلیغات، زمینه های لازم را برای امکان بالقوه ی همکاری زنان به عملکرد بالفعل در جهت حفظ محیط زیست شهری را فراهم می نماید.

یکی از اهداف کاربردی این تحقیق ارائه ی راهکارهایی جهت افزایش مشارکت زیست محیطی زنان است در نتیجه پیشنهادات زیر ارائه می گردد:

- ۱- جهت توانمند سازی زنان آموزش های زیست محیطی لازم به نظر می رسد.
- ۲- جهت تشویق زنان به مشارکت در فعالیت های مربوط به محیط زیست شهری، باید با انجام کار های فرهنگی و ترویجی، روحیه همکاری را در آنان تقویت نمود.
- ۳- از آن جایی که زنان ارتباط نزدیک تری با محیط زیست خود دارند، باید مسئولیت های جدید در باره ی حفظ محیط زیست به آنان محول نمود.
- ۴- یکی از ارکان مهم جامعه ی مدنی NGO ها می باشد و نهادینه کردن مشارکت از الویت های این تشکل های غیر دولتی است، در نتیجه زنان شهری با عضویت در تشکل های زیست محیطی، همکاری سازنده ای می توانند در حفظ بستر زندگی خود داشته باشند.
- ۵- ایجاد روحیه ی مشارکت، همکاری و مسئولیت پذیری در زنان، از جمله فعالیت هایی است که شهرداری مناطق با کمک NGO ها می توانند در راستای بهبود محیط زیست شهری بر عهده داشته باشند در نتیجه در این رابطه، مسئولین امر می باید فرآیند شکل گیری سازمان های غیر دولتی را در محل تسهیل نمایند ویا در صورت وجود، آنها را تقویت و حمایت کنند.
- ۶- حفظ محیط زیست شهری نیاز به فرهنگ سازی دارد و لازمه فرهنگ سازی بیان دقیق مفاهیم و مقولات مرتبط با آن می باشد، در نتیجه باید مفاهیم و مقولات از طریق نهادهای گوناگون آموزشی و رسانه های جمعی در تئوری و عمل به طور روشن برای زنان بیان گردد.
- ۷- با دخالت دادن زنان در فرآیندهای تصمیم گیری و مدیریت می توان حساسیت های لازم، جهت مشارکت زیست محیطی را فراهم نمود ولی متأسفانه میزان حضور زنان در رده های تصمیم گیری و مدیریتی در کشور ما بسیار اندک می باشد. این امر تبعات منفی داشته و باعث می گردد از توانمندیهای فکری و تخصصی نیمی از جمعیت جامعه ی شهری استفاده ی مناسب به عمل نیاید. مسئولین امر باید موانع مشارکت محلی در حفظ محیط زیست رافع نمایند.

۸- بخشی از دیدگاه منفی جامعه نسبت به توانایی های زنان مربوط به پندار و کردار خود آنان می باشد. برای تغییر نگرش های نادرست ابتدا باید در افکار خود زنان تحول ایجاد نمود. زنان باید بدانند که حد اقل به اندازه مردان توانا، مستعد و قابل اتکاء هستند و باید از ظرفیت و توانایی خویش بهره جویند. مسئولین امر در جهت از بین بردن این نگرش های نادرست باید دوره های خاصی را برای تقویت خود باوری، اتکاء به نفس، استقلال و... تشکیل دهند و از طریق پیک های داخلی، بولتن و خبر نامه ها موفقیت و مشارکت سازنده ی زنان را به اطلاع آنان برسانند و از این راه در تقویت خود باوری زنان مؤثر واقع شوند.

۹- از آن جایی که زنان شهری مشارکت سازنده ای می توانند در امر تفکیک زباله از مبدا داشته باشند در نتیجه فرهنگ سازی و چگونگی تفکیک زباله باید در دستور کار مدیریت شهری قرار گیرد.

منابع و مأخذ

- بهرام سلطانی، کامبیز (۱۳۷۱) مجموعه مباحث و روش های شهر سازی : محیط زیست، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهر سازی و معماری ایران.
- براون، جون مارتین (۱۳۷۱) وظیفه ای که بر عهده ماست، تهران، پیام یونسکو، شماره ۳۶۲.
- سربنیواس، هاری (۱۳۸۰) محیط زیست شهری، سیاستگذاری و اقدام، ترجمه و تلخیص سیروس موسوی، تهران، شهرداریها، شماره ۳۲.
- شکوئی، حسین (۱۳۷۳) دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، جلد اول، تهران، انتشارات سمت.
- شجاعی، منصوره (۱۳۷۸) اکوفمینیسم، هشتمین همایش سیمای زن در جامعه، دانشگاه الزهرا، تهران.
- _____، _____ (۱۳۸۳) آنها سلطه بر طبیعت را می شناسند، روزنامه وقایع اتفاقیه، تهران.
- عزیزی، محمد مهدی (۱۳۸۰) توسعه شهری پایدار، برداشت و تحلیلی از دیدگاههای جهانی، صفه، نشریه دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۳.
- فریدمن، جین (۱۳۸۱) فمینیسم، تهران، انتشارات آشیان.
- مائاتی، ونگاری (۱۳۷۱) جنبش کمر بند سبز کنیا، پیام یونسکو، شماره ۳۶۲.
- هیوستون، پردیتا (۱۳۷۱) زنان و طبیعت، پیوندي برای بقا، پیام یونسکو، شماره ۳۶۲.
- هام، مگی و سارا گمیل (۱۳۸۲) فرهنگ نظریه های فمینیستی، مترجمان فیروزه مهاجر و فرخ قره داغی و نوشین احمدی خراسانی، تهران، نشر توسعه.
- یوسفی، آرش (۱۳۸۱) تغییر الگوهای مصرف ناپایدار، فصلنامه محیط زیست، شماره ۳۷.
- Ecofeminism (2006), available at www.Thegreenfuse.org/ecofem.htm
- Longenecker Marlene (2005) "women, Ecology, and the Environment: An Introduction" available at www.indiana.edu/~Iupress/journals/nwsa/nws9-3.html
- Mies, Maria & Vandana Shiva (1993), "Ecofeminism" London: Zed Books
- Mellor, Mary (1997) "Feminism & Ecology" New York university press
- Ortner, Sherry (1998), IS Female to Male as Nature is to culture? In J.B.Landes (ed.) Feminism: The public and the private. Oxford: oxford university press.
- Shiva, v. (1988), staying alive: women, ecology and development. London: zed press.
- Woolen, Miles T. (2006) " Ecofeminism: Their viewpoints and the problem with the western world", available at carbon.Cudenver.edu/stc-link/wmnecol/html/ecowolen.htm
- Webster's Encyclopedic unabridged Dictionary of the English Language (1989)